

عرب زبان ها مخاطب

تازه کتابی که رهبر

انقلاب توصیه کردند

اترازدوران

فی و همسرش را به عنوان الگویی بی نظیر اسلامی روایت می کند

لحظات زندگی شهادت‌گونه شهید یوسفی و ارتباط صمیمی و سلامت وی با همسر و اطرافیانش؛ الگوی بی‌نظیری برای جوانان به‌خصوص زوج‌های جوان است. از این روست که روایت تجربه زیسته شهید و همسرش در کتاب «پاییز آمد» از زبان فخرالسادات موسوی، همسر بزرگوار شهید و به قلم توانمند نویسنده کتاب، گلستان جعفریان حقیقتا شایسته تقریر و عنایت رهبر انقلاب اسلامی بود.

خوشبختانه این توفیق نصیب کتاب شد و این تقریر قرار است همزمان با سالگرد سفر رهبر معظم انقلاب به استان زنجان در روز یکشنبه ۲۹مهر سال ۱۴۰۳ در «شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت» توسط مؤسسه پژوهشی – فرهنگی انقلاب اسلامی در مسای حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) زنجان رونمایی شود. روزنامه جام‌جم نیز به همین بهانه گفت‌وگوهایی با همسر، فرزند ارشد و برادر شهید یوسفی، همچنین نویسنده کتاب پاییز آمد و جمعی از هم‌زمان و دوستان شهید داشته است که در ادامه می‌خوانید.



چهار جلد از مجموعه «سرگذشت استعمار» نوشته مهدی میرکیایی از سوی انتشارات نخل سبز به زبان عربی ترجمه و در کشورهای عرب‌زبان توزیع شد. حسین بهرامی مدیر انتشارات نخل سبز در گفت‌وگو با تسنیم گفت: این چهار مجلد عبارت‌اند از: سفر به آن سوی دریاها، که در این کتاب ماجراهای سفرهای دریایی پرتغالی‌ها و غارت‌هایشان شرح داده شده است. جلد دوم با عنوان گرگ‌ها یا چشم باز می‌خوانید، به شرح ماجرای استعمار

انگلیس برهند و چپاول ثروت هند توسط ملکه انگلیس پرداخته است. مجلد سوم شکار انسان نام دارد و به تاریخ پرده‌داری غربی‌ها و شکار انسان‌ها از قاره آفریقا پرداخته است و چهارمین جلد با عنوان صلیب خونین در مورد ماجراجویی پرتغالی‌ها برای فتح و کشف سرزمین‌های مختلف است که اول به سمت آفریقا و بعد هند می‌روند. مجموعه سرگذشت استعمار که در ۱۵ جلد از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده، روایتی است از پیدایی و

فخرالسادات موسوی، همسر شهید:

دیدگاه واقعی شهدا را به جوانان منتقل کنیم

پاییز آمد خواننده را با روحیات زنی مبارز و مجاهد، از کودکی تا بزرگسالی آشنا می‌کند و با پیش و نشتاری روان، پیش‌زمینه‌ای می‌سازد تا مخاطب با رنج و محتنی که فخرالسادات جوان، همسر شهید یوسفی پس از شهادت سردار متحمل می‌شود را بهتر درک کند. مقاومت این زن و سرچشمه استقامت او، الگوی بی‌مثالی برای جوانان است و پاسخ قابل تأملی به شهات ذهنی مخاطب در خصوص دفاع و مقاومت عرصه می‌کند؛ این‌که چگونه همسر عاشق و جوان این قصه، فراق معشوقش را تاب می‌آورد؟ معشوقی که برای وصال با او حاضر شده بود مقابل خانواده خود بایستد و حتی تنهایی پای سفره عقد بنشیند! فخرالسادات داستان پاییز آمد تمام این قصه پرغمه را تنها برای رضای خدا و آرمان‌های انقلاب و اسلام تحمل کرده است؛ همین فداکاری و ازخودگذشتگی‌هاست که زندگی احمد و فخرالسادات را منحصربه‌فرد و آموزنده کرده است. فخرالسادات موسوی در این گزارش از تجربه زیسته خود در دوران دفاع مقدس و فعالیت در سپاه گفته و یادآوری از خاطرات زندگی مشترکش با شهید داشته است.



[۹] به نظر شما کتاب پاییز آمد تا چه اندازه توانسته روایتی دقیق و حقیقی از زندگی شما و شهید سردار احمد یوسفی عرضه کند؟

یکی از وظایفی که برعهده ماست معرفی شهدا به نسل جدید است که باید در این معرفی شهدا را به همان صورتی که بودند به نوجوانان و جوانان شناساند. اگر روایت زندگی شهدا این‌گونه نباشد نه تنها به شناخت جامعه از آنها کمک نمی‌کند، بلکه کلیشه‌ای معرفی‌کردن شهدا به ادامه این مسیر ضربه می‌زند. من به همراه نویسنده کتاب پاییز آمد سعی کردیم روایت‌هایی مبتنی بر واقعیت از زوجه ۶-هه دوران دفاع مقدس رابیان کنیم. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز فرموده‌اند که ارزش انتقال مفاهیم درست، حساسه‌ها، ازخودگذشتگی‌ها و شکیبایی‌ها کمتر از شهادت نیست، ما باید تلاش کنیم تا جایی که می‌توانیم مفاهیم ارزشمند را به نسل‌های کنونی و آینده انتقال دهیم تا نسل جدید بداند که دیروز کجای تاریخ قرار داشتیم و حالا کجاستیم؟ با این شناخت نسل‌های بعدی بی‌بی‌می‌برد که باید گام‌های بعدی را چطور برداشت. در دنیای آشفته تفکرات در وضعیت فعلی، نیاز به فضایی برای تنفس جوانان داریم تا در این پیچیدگی‌ها و با اتکا به پشتوانه هویتی، ملی و مذهبی خود راهشان را پیدا کنند. جورجین بزرگی به نام ادبیات پایداری با تمام ظرفیت‌هایی که دارد، می‌تواند تأثیرات عمیقی در جامعه به جا بگذارد. روائیان آثار دیگری مانند دا، من زنده‌ام، تنها گرینک، حوض خون و... روائیان مونت دوران دفاع مقدس هستند که بعد از سال‌ها جزئیاتی از آن دوران را به مخاطبان عرضه می‌کنند که می‌توانند ابعاد ارزشمند دفاع مقدس و فلسفه آرمان‌های انقلابی را ملموس‌تر کنند. شاید برای جوانان امروزی سؤال باشد چطور رزمندگان جنگ تحمیلی از همه چیز گذشتند درحالی‌که برخی از آنها فرزندان کوچکی داشتند یا خیلی جوان بودند و می‌خواستند آینده‌ای که آرزو می‌کردند را برای خودشان رقم بزنند و... این افراد آرمان‌های بلندی داشتند و هشت سال با کمترین امکانات در نقطه صفر مریزی تا پایان جنگ جانفشانی کردند. رزمندگان معتقد بودند که دفاع ممدوح بهتر از صلح مذموم است. صلح زیر چکمه ابرقردت‌های جهانی برای رزمندگان قابل قبول نبود و جمله امام حسین (ع) را عینیت بخشیدند که مرگ باعث‌را بر زندگی یا ذلت راتر جیح دادند. این اندیشه امروز هم ادامه دارد. با این‌که امروز یکی از ابرقدرت‌ها هستیم و امکانات بسیار پیشرفته‌ای داریم، جوانانی برای همان آرمان‌ها به‌عنوان مدافع حرم جهاد می‌کنند. این جوانان مجبور به این کار نیستند، اما از جان هزینه می‌کنند تا اسلام سرافراز باشد و امنیت وطن از بین نرود. این دیدگاه در بیان رزمندگان دیروز و امروز ما روح زینبایی و یادآور جمله حضرت زینب (س) است.

[۱۰] فکر می‌کنید روایت‌های زنانه از دوران دفاع مقدس، چه وجه تمایزی نسبت به سایر روایت‌ها از آن دوران دارد؟

زن‌ان هم جزئی‌نگرتر و هم عاطفی‌تر هستند، پس بهتر می‌توانند آنچه رخ داده را توصیف و بیان کنند. در کتاب «پاییز آمد»، مخاطب با بسبک و سیاق زندگی دختر جوانی رویه‌رو می‌شود که با یک رزمنده سپاهی ازدواج می‌کند

[۹] به نظر شما کتاب پاییز آمد تا چه اندازه توانسته روایتی دقیق و حقیقی از زندگی شما و شهید سردار احمد یوسفی عرضه کند؟
این جزئیاتی را که روایت کردم بخوانند و مطمئن باشند که صرفا یا چند خاطره کینه مواجه نمی‌شوند؛ بلکه همه تلاشم این بوده که مفاهیم و آرمان‌هایی را که هنوز به بهانه‌ها باور داریم و زندگی‌ما را شکل داده، به آنها منتقل کنم. اگر به عنوان یک زن در کنار یک خانم نویسنده قرار گرفتم تا ابعاد عاطفی و جزئی‌تر زندگی‌ام را روایت کنم، قصد این بود که بسبک زندگی را به عنوان الگو به جوانان امروزی عرضه کنم. شرح دلمشغولی‌های ما و حل و فصل مشکلات اقتصادی‌ای که در آن دوران تجربه کردیم و غیره، همه از زبان یک خانم متفاوت است و بعد دیگری از مسأله را به خواننده یادآوری می‌کند.

[۱۰] به عنوان یکی از زنان فعال در دوران دفاع مقدس و همسر یک رزمنده شهید، آیا به نظرتان شهدا افرادی خاص و دور از دسترس بودند؟ آیا تصویر به شدت قدسی‌ای که از آنها

در برخی روایت‌ها عرضه می‌شود، توصیف دقیقی است؟

شهدا نه تارک دنیا بودند، نه به همسر و فرزندان شان یادپر و مادرشان بی‌علاقه بودند؛ بلکه برای آنها اولویت‌ها مطرح بود. شهدا بین علایق و دلبستگی‌ها و اولویت‌های الهی، دست به انتخاب زدند و از همه داشته‌های دنیایی خود برای آخرت و اسلام گذشتند. درحالی‌که یک زندگی معمولی مانند سایر انسان‌ها داشتند و دغدغه‌های معیشتی شهدا نیز مانند بقیه مردم بود؛ اما آنها انتخاب کردند که بین دلبستگی‌ها و آرمان‌ها و باورهایکی را انتخاب کنند.

[۱۱] شاید برای نوجوان و جوان امروزی، نگاه رزمندگان و خانواده شهدا باورپذیر نباشد و پیرسند که چه آرمایی در ذهن شهدا بود که به خاطر آن حاضر شدند از همه چیز بگذرند؟

نسل ما برخی موضوعات را اولویت زندگی خودش قرار داده بود. رزمندگان به درکی رسیده بودند که دیگر نمی‌توانستند فقط به فکر خواب و خوراک روزمره باشند. پس از انقلاب صفر مریزی تا پایان جنگ جانفشانی کردند. رزمندگان معتقد بودند که دفاع ممدوح بهتر از صلح مذموم است.

صلح زیر چکمه ابرقردت‌های جهانی برای رزمندگان قابل قبول نبود و جمله امام حسین (ع) را عینیت بخشیدند که مرگ باعث‌را بر زندگی یا ذلت راتر جیح دادند. این اندیشه امروز هم ادامه دارد. با این‌که امروز یکی از ابرقدرت‌ها هستیم و امکانات بسیار پیشرفته‌ای داریم، جوانانی برای همان آرمان‌ها به‌عنوان مدافع حرم جهاد می‌کنند. این جوانان مجبور به این کار نیستند، اما از جان هزینه می‌کنند تا اسلام سرافراز باشد و امنیت وطن از بین نرود. این دیدگاه در بیان رزمندگان دیروز و امروز ما روح زینبایی و یادآور جمله حضرت زینب (س) است.

[۱۲] فکر می‌کنید روایت‌های زنانه از دوران دفاع مقدس، چه وجه تمایزی نسبت به سایر روایت‌ها از آن دوران دارد؟

زن‌ان هم جزئی‌نگرتر و هم عاطفی‌تر هستند، پس بهتر می‌توانند آنچه رخ داده را توصیف و بیان کنند. در کتاب «پاییز آمد»، مخاطب با بسبک و سیاق زندگی دختر جوانی رویه‌رو می‌شود که با یک رزمنده سپاهی ازدواج می‌کند

برش

ولی... کلامی، دوست و هم‌رزم شهید:

با تقوا و ایمان گوش به فرمان امام (ع)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پیش از دوران جنگ تحمیلی با شهید سردار احمد یوسفی از شهدای شاخص استان زنجان آشنا شدم.

این شهید بزرگوار از مسئولان سپاه بودند و در مراسم و رویدادهای ملی و مذهبی نقش برجسته‌ای داشتند و به‌عنوان یک انقلابی تأثیرگذاری فرهنگی جدی به جا گذاشتند و پس از آغاز جنگ در دوران دفاع مقدس راهی مناطق جنگی شدند. شهید و خانواده وی با علمای بزرگ در ارتباط بودند و احترام خاصی برای علما قائل هستند و پسر بزرگ شهید یوسفی معم و در استان زنجان مسئول تبلیغات اسلامی است. گاهی



رشد استعمار در نقاط مختلف جهان. رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخعیان، درباره این مجموعه فرموده‌اند: من اخیرا کتابی دیدم که یکی از همین نویسندگان خودمان ـ که من از نزدیکی با ایشان آشنایی ندارم ـ نوشته، به نام «سرگذشت استعمار» یا زنده‌شازنده جلد کتاب ۱۲۰، ۱۵۰ صفحه‌ای است که تشریح می‌کند استعمار چگونه در قاره آمریکا و در قاره آسیا توانست ثروت‌های این‌ها را از بین ببرد و خودش را ثروتمند کند.



پیداکردن بود، واقعا می‌خواستیم با کسی ازدواج کنم که من را ارتقا دهد نه اینکه جایگاه‌ما را از آنچه هستم پایین‌تر بیاورد. این مفهوم والای مرتبط با مقوله ازدواج باعث شد به‌کلی در اولویت دهی به سایر موضوعات زندگی نیز نگاه دیگری داشته باشم. خیلی از مسائل از نگاه ما ارزشمند و مهم بود که شاید برای نسل جدید اولویت نباشد، درحالی‌که هنوز هم اگر عمیق‌تر ببیند بشیم ارزش‌ها هم چنان ارزش و اولویت هستند و می‌توانند یک زندگی سلامت را شکل بدهند. امروز هم اگر اولویت‌های ازدواج بازتعریف شود و ارزش‌های عمیق‌تری در اولویت قرار بگیرد، استحکام روابط بیشتر می‌شود. ازدواج رزمندگان بسیار ساده اما خیلی عمیق بود. شهدا و همسران‌شان گرچه از هم دور بودند، ولی احساس عاطفی بین آنها عمق بسیاری داشت. خاطرم هست شهید یوسفی هرگاه به خانه می‌آمد، فضای خانه را تغییر می‌داد و همه اعضای خانه از عشق و محبت اولدت می‌بردند. شهید در رابطه با مفهوم ارزشمندی مانند خانواده از خودگذشتگی بسیاری داشت. هم چنین او بسیار جلوتر از زمانه خودش می‌اندیشید. همه این تمایزها به دلیل اولویت دادن به برخی مفاهیم عمیق بود که شاید امروز از نظر نسل جدید قابل درک نباشد. شهید یوسفی در ۵ سال زندگی که باهم داشتیم، نه تنها من را از فعالیت‌های اجتماعی و نظامی منع نمی‌کرد بلکه همیشه مشوق جدی من بود و می‌گفت اگر شما زنان و ما مردان در این فعالیت‌ها حاضر نشویم پس چفکسی قرار است جامعه ما پاریش برود؟ قبل از شهادت از من خواستند که به سپاه برگردم و وقتی گفتم باید داشتن دویچه برگشتن به کار برای من سخت است، گفتند این‌ها همه بهانه‌است، ضمن اینکه تا زمانی که باشم در همه جوانب کمک خواهم کرد. گرچه می‌دانستم آنقدر گرفتار است که نمی‌تواند به من کمک کند، اما همین نگاه پیشروی شهید و تشویق من برای حضور در جامعه انگیزه‌ام را بیشتر می‌کرد. نگاه شهدای ما این‌گونه بود و اولویت‌هایی که در ذهن داشتند چنین صورتی داشت و ما باید این وجه واقعی از دیدگاه رزمندگان و باورها‌های اسلامی را به جوانان منتقل کنیم تا تصورات غلطی که برای آنها ایجاد شده ترمیم شود.

برش

بازتاب خاطرات زندگی با یک شهید

[۹] آیا مرور دوباره خاطرات سال‌های زندگی با شهید احمد یوسفی برای نوشته‌شدن کتاب «پاییز آمد» برای شما سخت نبود؟ بازایی این خاطرات شما را دلتنگ نمی‌کند؟

درست است که سی‌وچند سال از شهادت شهید یوسفی می‌گذرد، اما من هرروز با او زندگی می‌کنم، در خواب‌هایم با احمد صحبت می‌کنم. طبیعتا یادآوری خاطره‌ها سخت‌است اما شیرینی این یادآوری آنجاست که به خاطر می‌آوریم شهید عزیز ما در راه خدا فدا شده است و این دل تنگ ما را آرام می‌کند. گاهی حتی به مسائل دیگری مشغول هستم اما به‌خودم می‌آیم و می‌بینم با شهید صحبت می‌کنم یا در خواب کنارش هستم. این احساسات برای همسران شهدا وجود دارد. به دلیل نجابت و رعایت برخی مسائل، شاید خیلی موضوعات از سوی همسران شهدا مطرح نشود. اما حقیقتا تحمل خلایک که احساس می‌شود آسان نیست، زمانی که من همسر را از دست دادم، به عنوان همسر یک شهید مسئولیت دو فرزند کوچک برعهده‌ام قرار گرفت و این درحالی بود که در خانه پدر، لوس‌ترین فرزند خانه بودم، با همه این مشقت‌ها، آنچه باعث شد راه را ادامه دهم برای خدا کار کردن بود. هضم و تحمل سختی‌هایی که انسان در راه رضای خدا به آن دچار می‌شود، قطعاً آسان‌تر است.



گفت‌مان

حجت الاسلام علی یوسفی؛ فرزند ارشد شهید:

پدرم علاقه مند به تبلیغات و کنگسری اسلامی بود

در کتاب پاییز آمد فرازهایی از زندگی پدر و مادرم روایت شده است و طبیعتا شاید اگر تمام زندگی آنها از دوران کودکی تا ازدواج و شهادت پدرم گفته می‌شد جلوه‌های عظیم و وجوه گسترده‌تری از آن زندگی را می‌دیدیم. در این کتاب روایت دختر نوجوان و جوانی را می‌خوانیم که وارد مبارزات انقلابی و فضای فکری و مطالعاتی می‌شود و احساس می‌کند مسیر حقیقت را یافته است. این مسیر به پیروزی انقلاب اسلامی و ازدواج مادرم با یک جوان سپاهی و معتقد می‌شود. در روایت این زندگی، پدرم هم جوانی است که خط سیری مشابه مادرم را در زندگی طی کرده‌و این راه‌مشابه و آرمان‌ها مشترک بین یک دختر و پسر جوان آنها را به سمت یکدیگر سوق می‌دهد. آنها به دنبال جامعه‌ای آرمانی و انقلابی هستند و زندگی مشترک خود را نیز بر همین منوال آغاز می‌کنند و درصدد تعالی یکدیگر هستند. زندگی این زوج درعین حال که سرشار از معنویت است، بسیار با نشاط و عاشقانه هم هست. انسان در طول زندگی مدام تربیت می‌شود و در حال تحول است. زمانی‌که روایت زندگی والدینم را در پاییز آمد می‌خوانم: می‌بینم تلاش این زوج برای تکمیل یکدیگر است تا هرچه بیشتر به سمت مسیر حق پیش بروند. در سبک زندگی پدر شهیدم پویایی و ایثار وجود داشت و همراه با مادرم در راهی که به آن باور داشتند، عشق بحبت زینبی والهی تاوم باهم دیده‌می‌شود. این آموزه‌ها که در پاییز آمد روایت شده دارای ابعاد آموزندگی و الگویی است و خودمان هم به‌عنوان فرزندان چنین زوجی سعی می‌کنیم از فضایی که در آن نفس کشیدیم و اعتقاداتی که براساس آن رشد یافتیم ال‌پذیر باشیم. روحیات ما و شناختی که از زندگی به‌دست آوردیم تحت تأثیر طر حواره و الگویی که پدر و مادرم به ما عرضه کردند، قرار گرفت. نگارش خاطرات شهدای دفاع مقدس و مدافعان حرم می‌تواند در جنگ روایت‌ها به فرهنگ ماکم کند. هر واقعه‌ای که در جامعه ما مشکل می‌گیرد از نوع روایتی که ارائه می‌شود تأثیر می‌پذیرد. دوران زیسته هر انسان برجسته‌ای می‌تواند برای آیندگان راهگشا باشد و به زندگی آنها سمت و سویی ببخشد. اگر منش و روش شهدا و فضایی فکری و ذهنی آنها واقعی روایت شود و برای روایت‌ها دست به گزینش نزنیم، و ملاحظات بیجا نداشته باشیم، روایت‌هایی که دستکاری نشده و به حقیقت نزدیک است بهتر می‌تواند برای مخاطب هویت‌سازی کند و خواننده کتاب خیلی بیشتر با آنها همدات‌پنداری خواهد کرد. شرح تجربیات کسانی که در طول تاریخ و در مواجهه با مسائل گوناگون رویکرد‌های مؤثری داشته‌اند، همچنین بیان رویکردهای باطنی و علانی آنها برای هر خواننده جذاب است. امروز شاید برای خیلی از نو جوانان و جوانان سؤال باشد که شهدا واقعا به چه چیزی فکر می‌کردند و دنبال چه آرمان‌هایی بودند که به زندگی آنها سمت و سویی ببخشد. اگر منش و روش شهدا و فضایی ذهن نسل جدید شاید معقول به نظر نیاید در حالی‌که اگر فلسفه‌ای این کنش و واکنش‌ها شرح داده شود، شهیات ذهنی مخاطب نیز طرف می‌شود و این دست کارهای فرهنگی از نیازهای اساسی جامعه امروز ماست. عرضه روایت‌های دستکاری شده از زندگی شهدا اثر سازنده‌ای ندارد و موجب عدم درک مخاطب از حقیقت می‌شود؛ بنابراین خواندن چنین کتاب‌هایی در زندگی آنها تأثیری بیجا نمی‌گذارد. به نظر من پاییز آمد از این منظر بسیار موفق عمل کرده‌است و روایت مادرم از آن روزها و خلقیات پدر شهیدم، تصویری بسیار نزدیک به حقیقت از بسبح، دفاع مقدس، مبارزه و انقلابی‌گری ساخته است که به قلم توانای نویسنده این هدف محقق شده است. به نظر می‌رسد قصد و هدف رهبر معظم انقلاب اسلامی از ترتیب‌هایی که بر برخی آثار می‌نویسند، براساس نگاه تاریخی ایشان است. رهبر معظم انقلاب تاکنون با این عنایت‌هایی که به آثار مربوط به زندگانه شهدا داشته‌اند، به دنبال اشاعه و ترویج سبک زندگی، اندیشه والا و حرکت درست هستند. درخصوص این کتاب پاییز آمد نیز طبیعتا مساله، مربوط به یک شهید خاص یا همسر شهید نیست، بلکه میحث اصلی درخصوص این کتاب، وجود الگویی از زندگی سالم بین زوج جوان است. این کتاب به‌دنبال جوابگویی به نیاز نسل جدید برای دستیابی به سبک زندگی سلامت نوشته شده

و می‌توانند با توجه به چنین زندگی‌هایی، آینده خود را برای سعادت‌مندی دنیا و آخرت ترسیم کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی با تاقربظی که تقدیم کرده‌اند، اثرگذاری بسیار عمیقی به‌خصوص در بین نسل جوان داشته‌اند و بخش بزرگی از اصالت فرهنگ ایثار و شهادت به‌واسطه همت ایشان به ما منتقل شده‌است. فعالیت‌های ترویجی در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت موضوع بسیار مهمی است و فکر می‌کنم اگر پدرم امروز هم در این عالم حضور داشتند و به فیش شهادت نرسیده بودند در زمینه فعالیت‌های تبلیغاتی و فرهنگی تلاش می‌کردند. پیش از شهادت نیز یکی از اصلی‌ترین مباحث مورد توجه پدرم تمرکز روی تبلیغات و کنگسری اجتماعی برای معرفی درست ارزش‌های دین اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی بود و مادرم را نیز تشویق به همین‌کنش می‌کرد.

قاب



عکسی از حضور شهید یوسفی به همراه حاج محمد مسعود اسماعیلی در دوران هشت سال دفاع مقدس